

آثار نقض قرارداد در حقوق ایران

(با نگاهی به قانون انگلیس و اسناد بین المللی)

مؤلفین:

بهنام اسدی

(مدرس دانشگاه)

امیر احمدی

(دانشجوی دکتری و عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور)

انتشارات قانون یار

۱۳۹۴

فهرست مطالب

شماره صفحه

عنوان

.....	فصل اول: کلیات.....
.....	گفتار اول: بررسی ماهیت قرارداد در حقوق ایران.....
.....	گفتار دوم: بررسی جایگاه قرارداد در حقوق انگلستان.....
.....	گفتار سوم: قرارداد صحیح و الزام آور بین طرفین.....
.....	گفتار چهارم: اصل لزوم قراردادها در فقه امامیه.....
.....	گفتار پنجم: ماهیت نقض قرارداد و به بار آمدن مسئولیت.....
.....	فصل دوم: آثار قانونی نقض قرارداد.....
.....	گفتار اول: حق اجبار به اجرای قرارداد.....
.....	گفتار دوم: حق فسخ قرارداد.....
.....	گفتار سوم: حق حبس ناشی از نقض قرارداد.....
.....	فصل سوم: آثار قراردادی نقض قرارداد.....
.....	گفتار اول: وجه التزام نقض قرارداد.....
.....	گفتار دوم: بررسی رهن یا وثیقه های تضمین اجرای قرارداد.....
.....	گفتار سوم: شرط خیار یا خیار شرط نقض قرارداد.....
.....	فصل چهارم: خسارت ناشی از نقض قرارداد.....
.....	گفتار اول: اوصاف خسارت قابل پرداخت ناشی از نقض تعهد.....
.....	گفتار دوم: جایگاه جبران خسارت (نقض تعهدات قراردادی) در حقوق ایران.....
.....	گفتار سوم: انواع جبران خسارت نقض تعهدات قراردادی در حقوق انگلستان.....
.....	گفتار چهارم: قوه قاهره به عنوان یکی از اسباب معافیت از پرداخت خسارت و تاثیر آن بر قرارداد



فهرست مطالب

شماره صفحه

عنوان

فصل پنجم: قراردادهای راجع به مسئولیت با نگاهی به کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰.....	
گفتار اول: قراردادهای راجع به اصل مسئولیت و حدود آن.....	
گفتار دوم: قراردادهایی که ناظر به ارزیابی و تعیین میزان خسارت است.....	
گفتار سوم: کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ و آثار نقض احتمالی قرارداد.....	
گفتار چهارم: مبانی نظریه نقض احتمالی قرارداد در نظام کامن لا.....	
گفتار پنجم: مصادیق مشابه نقض احتمالی قرارداد و آثار آن در حقوق ایران.....	
جمع بندی بحث.....	

گفتار اول: بررسی ماهیت قرارداد در حقوق ایران

در ابتدای بحث به معرفی و نظریه پردازی درباره حقوق قرارداد ها می پردازیم.

اگر بخواهیم به طور دقیق سخن بگوییم، حقوق قرارداد درباره اصول و قواعد قانونی مرتبط با توافقاتی است که دادگاه ها اجرا می کنند. این قواعد مشخص می کنند که آیا یک عمل متقابل خاص، به طور مثال خرید یک خودرو قرارداد است یا خیر؟ بر این اساس، شرایطی که توافقات باید تحت آنها اجرا شوند را مشخص می نماید. همچنین راهکارهای موجود در خصوص جبران خسارت ناشی از واقعه ای که سبب اجرای ناقص یا عدم اجرای قرارداد می شود را تشریح می کند.^۱

قرارداد یک موافقت نامه قابل اجرا و قانونی بین دو یا چند گروه است. هسته بیشتر قراردادها یک مجموعه از قولهای دو جانبه (یا در اصطلاح قانونی، "ملاحظات") است. قولهایی که هر یک از گروهها داده اند حقوق و وظایف آنها را مشخص می کند. قراردادها در دادگاه قابل اجرا هستند. اگر یک طرف قرارداد به وظایف قراردادی خود عمل کند ولی طرف مقابل عمل نکند، ("قرارداد را بشکند") به طرفی که به وظایف خود عمل کرده است در دادگاه این حق داده می شود تا به حقوق خود برسد. یک قرارداد هنگامی بسته می شود که یک طرف (پیشنهاد دهنده) پیشنهاد می دهد که توسط طرف دیگر (قبول کننده پیشنهاد) مورد قبول قرار می گیرد. یک پیشنهاد (یک طرح یا نظر که برای سیستماتیک قرارداد) می تواند به سادگی این جملات باشد: من ماشین شما را در ازای ۵ دلار خواهم شست. یک موافقت (پذیرش طرف مقابل در برابر پیشنهاد ارائه شده) نیز می تواند به سادگی این کلمات باشد: این کار برعهده شماست. برخی اوقات موافقت می تواند بجای کلمات توسط تماس نشان داده شود. هنگامیکه پیشنهادی انجام گرفته است تا هنگامی که طرف مقابل آن را قبول نکند هیچ قراردادی منعقد نشده است. هنگامی که شما به فردی پیشنهاد می کنید هیچگاه فرض نکنید که طرف مقابل پیشنهاد شما را قبول می کند. ضمانت قرارداد بر پایه موافقت صریح است.^۲

۱ تحلیل و نقدی بر حقوق قرارداد در انگلستان. جان. ان. آدامز و راجر براونزورد. مترجم: سید مهدی موسوی صفحه ۱۳.

۲ امیری قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، حقوق تعهدات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، جلد اول. ص ۵۶



در مقام تعریف قرارداد می توان چنین گفت: قرارداد یا عقد به توافق دو اراده ضروری در جهت ایجاد یک اثر حقوقی را گویند. به عبارت ساده تر هرگاه جهت به وجود آمدن یک اثر حقوقی همچون خرید(بیع)، اجاره و نظایر آن، نیاز به تلاقی و تراضی ضروری دو اراده باشد، عقد محقق می گردد. با این تعریف ماهیاتی چون وصیت تملیکی، وکالت، هبه و دیگر ماهیاتی که قبول قابل در آن قبول ضروری یا قبول عقدی نیست، از تعریف و شمول عقد خارج می شوند. قانونگذار ایران در ماده ۱۸۳ قانون مدنی عقد را چنین تعریف نموده است: «عقد عبارت از اینست که دو یا چند نفر در مقابل دو یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد» بر این تعریف ایراداتی شده است. از جمله اینکه این تعریف عقود تملیکی را به واسطه حصر عقود به تعهد طرفین در جمله قانونگذار دربر نمی گیرد. این ایراد از سوی بزرگان علم حقوق ایران اینگونه پاسخ داده شده است که: اگرچه متن این ماده از قانون فرانسه مأخوذ است، اما نویسندگان قانون مدنی ایران با نظر به فقه این ماده را تغییر داده اند. فلذا چون در فقه عهد در معنی عقد نیز به کار می رود، این ماده همه عقود را در برمی گیرد. ایراد دیگر این ماده قانونی استفاده از کلمه نفر است، در حالی که بهتر بود از کلمه شخص استفاده می شد تا اشخاص حقوقی را نیز شامل می شد. لوازم قانونی یا عرفی قرارداد باید دانست که تعهدات متعاقبین تنها به آنچه در قرارداد آمده خلاصه نمی شود و گاه قانون و عرف تعهداتی را بر آنان تحمیل می نماید که تجاوز به این تعهدات نیز عقد شکنی تلقی می گردد.^۳

بنابراین برای اینکه تعهد ناشی از عقد باشد، ضرورتی ندارد که متعلق قصد مشترک متعاقبین قرار گیرد. بلکه همینکه تعهد لازمه توافق محسوب گردد، خواه تلازم عرفی باشد خواه قانونی، تعهد مذکور ناشی از عقد خواهد بود. همانطوری که ماده ۲۲۰ ق. م. نیز متعاملین را به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می شود، ملزم می داند. و نیز ماده ۲۲۵ ق. م در تکمیل این حکم اعلام می دارد: "متعارف بودن امری در عرف و عادت بطوریکه عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد به منزله ذکر در عقد است". و جهل متعاملین به حکم عرف نیز، تأثیری در الزام آنان ندارد (ماده ۳۵۶ ق. م). بدین جهت امروزه حقوق التزامات

^۳امیری قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، حقوق تعهدات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، جلد اول، ص ۵۷

و تعهداتی را در زمره آثار عقد می داند که طرفین عقد یا اصلاً اطلاعی از آن نداشته و یا اینکه هنگام انعقاد قرارداد، به آن توجه نداشته‌اند.

بنابراین برای بررسی این نکته که آیا مسئولیتی قراردادی محسوب می‌گردد یا خیر، باید محتویات قرار داد و حتی لوازم عرفی و قانونی آن نیز مورد توجه قرار گیرد و این موضوع نیز بررسی گردد که آیا تعهدی که از آن تخلف گردیده، جزء لوازم قانونی یا عرفی عقد بوده است یا خیر؟ و در صورتیکه تعهد نقض شده، جزء دسته اخیر باشد، مسئولیت حاصله را قراردادی دانست و بطور خلاصه می‌توان گفت که اینگونه الزامات عرفی یا قانونی، همان الزاماتی است که بطور ضمنی از قرارداد استنباط می‌گردد و به ارائه ضمنی متعاقدین نسبت داده می‌شود و در مقابل تعهدات مصرح در قرارداد قرار می‌گیرد.

تا اینجا روشن گردید که برای عهد شکنی، وجود قرارداد الزام آوری ضروری بوده، حال سؤال اینجاست که محدوده این الزام قراردادی تا چه قدر است و تجاوز به کدامیک از تعهدات قراردادی عهد شکنی محسوب می‌گردد؟ بنابراین برای شناخت تعهدات ناشی از قرارداد و در نتیجه مسئولیت ناشی از تخلف از آنها باید محتوی قرارداد بطور کامل مورد توجه قرار گیرد. با شناخت موضوع قرارداد و تعیین میزان تعهدات طرفین قرارداد، مفهوم اجرای عقد روشن می‌گردد. تعهدات اصلی طرفین و یا به تعبیر دیگر موضوع قرارداد «چیزی است که مدیون متعهد و ملزم به آن گردیده و طلبکار بطور متعارف انتظار بدست آوردن آنرا دارد». بنابراین موضوع قرارداد آن چیزی است که بخاطر آن قرارداد منعقد گردیده و طرفین انتظار بدست آوردن آنرا دارند و به عبارت دیگر نتیجه‌ای است که طرفین برای رسیدن به آن، مبادرت به انعقاد قرارداد می‌نمایند. بدین جهت می‌توان گفت که در هر قرارداد، تعهدات طرفین عقد، موضوع قرار داد را تشکیل می‌دهد. و از آنجائیکه عقد، قانون متعاقدین دانسته شده (ماده ۲۱۹ ق. م)، آنان باید تعهدات خویش را با حسن نیت اجرا نموده و در راستای وفای به عهد عمل نمایند. (ماده ۲۷۵ ق. م) همچنین، اجرای موضوع تعهد باید طبق شرایطی باشد که در قرار داد بیان گردیده که به این قاعده حاکم بر تعهدات «اصل مطابقت اجرا با تعهد قراردادی» گفته می‌شود. بدین گونه است که اجرای تعهد سبب برائت ذمه می‌گردد و سقوط تعهد را در پی دارد همچنین در صورتیکه در اجرای تعهدات قراردادی شرط مباشرت شده باشد، اجرای قرار داد توسط شخص ثالث، موجب برائت متعهد نخواهد گردید و مسئولیت قراردادی وی را در پی دارد (ملاک ماده ۶۷۳ ق. م) همان گونه که



وکیلی حق توکیل به غیر نداشته انجام مورد وکالت را به شخص ثالثی واگذار نماید یا محافظ یا منتفع از مالی آنرا بدون اذن مالک به تصرف دیگری بدهد مسؤول خسارات وارده است.^۴

در تعامل حقوقی انسانها با یکدیگر و بر اساس اراده آنان، قانون حاکم بر آن تعامل، یعنی قرارداد، شکل می گیرد و افراد خود را وفادار و ملزم به این قانون می دانند و عهد شکستن را مذموم و عهدشکن آن را سزاوار پرداخت خسارت می شمارند. از سویی دیگر، به حکم همین قانون است که شخص ملتزم و متعهد به انجام امری می گردد. هدف از انعقاد قرارداد، اجرای مفاد آن توسط طرفین قرارداد است. اجرای قرارداد نیز به نوبه خود نیازمند تعیین و تبیین مفاد آن می باشد. اگر تعیین و تبیین مفاد دقیق نباشد، هر یک از طرفین، بخشی که ملزم به اجرای آن است را تفسیر می کند، اگر طرف مقابل این تفسیر را نپذیرد، در مدلول قرارداد اختلاف ایجاد می شود و پیرو آن، نزاع نزد محاکم قضایی مطرح می گردد. در چنین مواردی نبود قواعد منضبط و کارآمد برای تفسیر قراردادها مهمترین مشکل دادگاهها می باشد.^۵ تفسیر قرارداد، یک وسیله ای قضائی برای آشکار شدن اراده طرفین قرارداد است، از آنجا که این تفسیر توسط شخصی غیر از متعاقدين، یعنی قاضی صورت می پذیرد ناگزیر برای تفسیر قرارداد، باید قیودی وضع شود که تفسیر قاضی، باعث اثبات امری، خلاف آنچه اراده طرفین نگردد.^۶

از جمله اموری که در تفسیر قرارداد باید مورد توجه قرار گیرد و رعایت شود عبارتند از اینکه اولاً اگر عبارات عقد، واضح و آشکار باشد و اراده متعاقدين مشخص، جایز نیست قاضی با تفسیر خود، از این اراده روشن عدول کند و به عبارت دیگر در صورتی که قاضی بر خلاف الفاظ صریح حکم صادر نماید، مرجع عالی می تواند حکم او را نقض کند. ثانیاً قاعده اصلی در تفسیر عقد، احترام به اراده طرفین است، یعنی قاضی باید عقد را اعم از اینکه لفظی، کتبی یا حتی با اشاره که مبرز اراده طرفین است، طوری تفسیر و تحلیل کند که به اراده واقعی آنان دست یابد. ثالثاً اگر اراده

^۴ همان. ص ۱۷۷

^۵ کاتوزیان، دکتر ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، جلد چهارم. ص ۷۷
^۶ جعفری سعید، پایان نامه با موضوع آثار نقض قرارداد در فقه و حقوق و خسارت ناشی از آن با مطالعه تطبیقی در



متعاقدين، غير واضح نباشد، براي تفسير عقد بايد بکوشد تا با استفاده از اصول و قواعد حقوقی معتبر، اراده طرفين را آشکار سازد.^۷

در حقوق ايران، قبل از تدوين قوانين، حقوق مذهبی حاکم بود، غالب محاکم نیز بر اساس اصول مذهبی و به دست علمای دین اداره می شد. علم اصول، ابزاری برای مفسران متون مذهبی به شمار می رفت و چون تشخیص تعهدات طرفين در قرارداد، از جمله مسائل شرعی بود، برای تفسير قرارداد از علم اصول استفاده می شد. پس از تدوين قوانين نیز فصل ویژه ای در مورد تفسير قرارداد باز نشد، هر چند بعضی از قواعد تفسیری به طور پراکنده در قانون مدنی یا قانون آئین دادرسی مدنی وارد شده است. در قانون مدنی ايران نیز، باب خاصی برای چگونگی تفسير قرارداد وجود ندارد، هر چند به صورت پراکنده در قواعد عمومی قراردادها، یا عقود معین و همچنین قانون آئین دادرسی مدنی، بعضی از این قواعد ذکر شده، و بعضی دیگر مسکوت مانده است.^۸ به هر حال باید بیان کرد که در حال حاضر در حقوق ايران، برای تفسير قراردادها غالباً از روشهای اصول فقه استفاده می شود، ولی باید به این نکته توجه داشت که قواعد اصولی برای تفسير واستنباط احکام فقهی از متون آیات و روایات بوده است و استناد صرف به این قواعد در برخی از موارد برای تفسير قراردادها در اشکال مختلف امروزی کافی نیست.^۹

بی توجهی یا کم توجهی به قواعد تفسير قرارداد، از نقائص قانون مدنی ايران است از این رو ضرورت دارد که این مسئله مهم که دائماً مورد احتیاج است، تبیین شود و موادی به آن اختصاص یابد. در همین راستا، این تحقیق در صدد آن است که قواعد مورد استناد برای تفسير عقد را با توجه به منابع فقهی، اصولی و حقوقی در ايران تحلیل کند و با بررسی قوانين ايران، زمینه را برای اصلاح این قوانين فراهم سازد.^{۱۰}

^۷ کاتوزیان، دکتر ناصر، «ضمان قهری - مسوولیت مدنی»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، چاپ دوم، جلد دوم، ص ۸۰

^۸ همان، ص ۱۳۶

^۹ جعفری سعید، پایان نامه با موضوع آثار نقض قرارداد در فقه و حقوق و خسارت ناشی از آن با مطالعه تطبیقی در

اسناد بین المللی و حقوق انگلیس، ص ۲۵

^{۱۰} کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی «وقایع حقوقی»، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲، چاپ ششم، ص ۱۶۶



گفتار دوم: بررسی جایگاه قرارداد در حقوق انگلیس

بررسی و مطالعه حقوق در انگلستان به وسیله یک شیوه مخصوص تحت عنوان روش «بلک لتر» پایه ریزی شد که بعداً توسط منتقدانش به گونه ای تحقیرآمیز، بدنام و متروک شد. ازدیدگاه نظریه سنتی «بلک لتر»، مطالعه حقوق با تفسیر مضیق اصول و قواعد حقوقی، یکسان انگاشته می شود. ما پس از رجوع به تمامی کتب دربرگیرنده این قوانین از جمله متن های سنتی دانشجویی مانند متونی که توسط «آتیا» (۱۹۸۹)، «بیتسون» (۲۰۰۲)، «فورمستون» (۲۰۰۱) و «تریتل» (۲۰۰۳)، جمع آوری و تنظیم شده است، از آنها نقل قول کرده و از مجموع آنها تحت عنوان «کتاب قوانین» نام خواهیم برد.

برای مثال کتاب هایی که قواعد فوتبال یا کریکت را شرح می دهند، کتاب قوانین هستند. این ها کتاب هایی هستند که برای توضیح چگونگی مفاهیمی که برای دسته بندی، تجزیه و تحلیل و حل و فصل انواع خاص اختلافات به کار گرفته می شوند، استفاده می گردند.

در هر حال تاحدی که با شیوه سنتی به مطالعه قرارداد می پردازیم، آسان است که آن را با اصول و قواعد موجود در این کتاب ها مقایسه کرده و تطبیق دهیم.

این امر ما را قانع خواهد کرد که استفاده از عنوان کلی «کتاب قوانین» به عنوان یک کلمه اختصاری برای آنها یک عنوان کاملاً نامناسب است، اصلی ترین ایراد وارد بر این شیوه سنتی آن است که این روش، یک شیوه موافق با ظاهر و مضیق، همراه با بیشترین تفسیر موافق با ظاهر و محتاطانه و با کمترین میزان بدبینی و تردید و سوء تعبیر در عمل به ظاهر قرارداد را ارائه می کند.^{۱۱}

نظریات انتقادی وارد بر مبانی این شیوه، این گونه استدلال می کنند که همین طور که ما نباید فکر کنیم که اگر کسی بتواند با صدای بلند ساعت حرکت قطارهای راه آهن انگلستان را بخواند، بدین معنی است که با مسائل راه آهن آشنایی دارد، بر همین اساس نباید گمان کنیم که توانایی مطالعه کتاب قوانین مربوط به قرارداد، نشانگر فهم و درک قرارداد است.

ما نیز در صدد ارائه تفسیری مشابه با نظریات انتقادی وارد بر شیوه سنتی هستیم و همچنین بر آنیم تا دانسته های موجود در این خصوص را ترویج و گسترش دهیم.

^{۱۱} کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی «وقایع حقوقی»، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲، چاپ ششم، ص ۱۷۰